

سید الشہداء علیؑ

حسین وحنی الدین الہی لعلہ ای



میراث و مکتبہ عالم



تکلیف است که در این کتاب
باز این است که در این کتاب
باز این است که در این کتاب
باز این است که در این کتاب
باز این است که در این کتاب
باز این است که در این کتاب
باز این است که در این کتاب
باز این است که در این کتاب
باز این است که در این کتاب
باز این است که در این کتاب

سرشناسه	: سعدی، مصلح بن عبدالله، - ۶۹۱ق.
عنوان و پدیدآور	: ۳۶۵ [سیصد و شصت و پنج] روز با سعدی / [گردآورنده] حسین محی‌الدین الهی قمشه‌ای.
وضعیت ویراست	: [ویراست ۲]
مشخصات نشر	: تهران: سخن، ۱۳۸۸
مشخصات ظاهری	: ۳۲۲ ص.
شابک	: 978 - 964 - 372 - 010 - 0
وضعیت فهرست‌نویسی	: فبا.
یادداشت	: کتاب حاضر برگزیده «کلیات» سعدی است.
یادداشت	: نمایه.
عنوان فرارادادی	: کلیات. برگزیده.
عنوان گسترده	: سیصد و شصت و پنج روز با سعدی.
موضوع	: شعر فارسی -- قرن ۷ق.
موضوع	: نثر فارسی -- قرن ۷ق.
شناسه افزوده	: الهی قمشه‌ای، حسین محی‌الدین، ۱۳۱۹ - گردآورنده.
رده‌بندی کنگره	: ۱۳۸۷ ۹ص / الف / PIR52.02
رده‌بندی دیویی	: ۸۱ / ۳۱
شماره کتابخانه ملی	: ۱۶۲۶۱۰۶



انتشارات سخن

خیابان انقلاب، خیابان دانشگاه،

خیابان وحید نظری، شماره ۴۸

فکس: ۶۶۴۰۵۰۶۲

www.sokhanpub.net

E.mail: Sokhanpub@yahoo.com

[Instagram.com/sokhanpublication](https://www.instagram.com/sokhanpublication)

[Telegram.me/sokhanpub](https://t.me/sokhanpub)

۳۶۵ روز با سعدی

دکتر حسین محی‌الدین الهی قمش‌ای

طرح جلد: حسین الهی قمش‌ای

اجرای طرح جلد: سپیده جعفرزاده

حروف‌نگاری و صفحه‌آرایی: حروفچینی هما (امید سید کاظمی)

چاپ هفدهم: ۱۴۰۲

لیتوگرافی: صدف

چاپ: مهارت

تیراژ: ۵۵۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۳۷۲-۰۱۰۰۰ ISBN 978-964-372-010-0

تلفن تماس برای تحویل کتاب در تهران و شهرستان‌ها

۶۶۹۵۳۸۰۴ و ۶۶۹۵۳۸۰۵

فروش آنلاین و پشتیبانی سایت: ۶۶۹۵۲۹۹۶

یادداشت ناشر

انتشارات سخن که پیوسته اعتلای ادب و فرهنگ را رسالت خود می‌داند، مفتخر است که تاکنون در کنار آثار بزرگانی چون دکتر عبدالحسین زرین‌کوب، دکتر زریاب خوبی، دکتر غلامحسین یوسفی، و دکتر شفیع کدکنی... دست به انتشار و چاپ مجموعه‌های ارزشمند: «از میراث ادب فارسی»، «شعر معاصر ایران»، و «مجموعه آثار جمال‌زاده» زده است و اینک «مجموعه جوانان و فرهنگ جهانی» را تقدیم می‌کند. انتشار اولین اثر از این مجموعه را که برای استفاده جوانان و نوجوانان این مرز و بوم است، به فال نیک می‌گیریم که با کوشش دانشمند پرتوان «حسین محی‌الدین الهی قمشه‌ای» تقدیم می‌شود. بدیهی است سعی ما بر این است که بتوانیم در این مجموعه آثاری از دیگر فرهیختگان ایران و جهان تقدیم کنیم.

آینه جهانی

خوب رویان آینه می جویند تا صورت خود را در آن ببینند و خط و خالی بر آن بیفزایند. از این آینه‌ها بسیار هست که آدمی روی خود را در آن نظاره کند و اگر دود و غباری بیند، بشوید و اگر نقصانی هست به کمال آورد؛ اما کجاست آن آینه که چهره روح و جان خویش را در آن بنگریم و شکل و شمایل باطن خود را تماشا کنیم.

گفتم: ای دل آینه از بهر چیست تا ببیند هر کسی کو شکل کیست
آینه آهن برای لون‌هاست آینه سیمای جان سنگین‌بهاست
آینه جان نیست الا روی یار روی آن یاری که باشد ز آن دیار

مثنوی

آینه جان بسیار سنگین‌بهاست، بسیار عزیز و نادرالوجود است و اگر سال‌ها در طلب آن به هر کوی و برزن بگردند رواست.

سیمِ دلِ مسکینم، در خاکِ درت گم شد خاکِ سرِ هر کوی بی‌فایده می‌بیزم

سعدی

شمس‌الدین تبریزی سال‌ها به دنبال آینه‌ای می‌گشت که آن را قبله سازد و سراپای خویش را در آن بنماید، تا مولانا را در قونیه یافت.

و مولانا در جوانی خواب دیده بود که خورشید او را سلام می‌کند. در شگفت شده بود که او را چه مقام و منزلت است که خورشید را با او نظر باشد و این رویا او را محال می‌نمود؛ تا شمس بر او وارد شد و مولانا گفت:

چون تو را دیدم محالم حال شد جان من مستغرق اجلال شد
چون تو را دیدم بدیدم خویش را آفرین آن آینه خوش‌کیش را

در حدیث آمده است که «المؤمن مرآت المؤمن»، یعنی اهل ایمان یکدیگر را چون آئینه باشند (که هر یک دیگری را نشان می‌دهد نه خود را).
مؤمنان آئینه یکدیگرند این خبر را از پیامبر آورند

متنوی

و چون مؤمن نام خدا نیز هست، معنی دیگر حدیث آن باشد که اهل ایمان آئینه پروردگار خویشند و هر که در ایشان نظر کند؛ هم گوهر ذات خود را می‌یابد و هم سیمای پروردگار خویش را در آن می‌بیند و این هر دو خود یکی است؛ زیرا گوهر ذات آدمی همان نَفْسِ رحمانی و نَفْحِ الهی است که خداوند در آدم دمید؛ و مقام آئینگی، رهایی از تعلقات و نقوش و تصویرهای پراکنده است. اگر صورتگری بر چهره آئینه نقشی تصویر کند، آن آئینه را در همان نقش محدود و آن را از دیگر نقش‌ها محروم می‌کند؛ و اگر آن نقش را بزدايند، آئینه هر دم نقشی می‌پذیرد و رنگی نشان می‌دهد و در عین حال از همه نقش‌ها مبرا است.
گفتی که: حافظ اینهمه رنگ و خیال چیست؟

نقش غلط مخوان که همان لوح ساده‌ایم

حافظ

و اگر کسی خاصیت آئینه نداند، عکس آئینه را به آئینه منسوب می‌کند در حالی که به گفته مولانا درباره شمس:

آئینه‌ای، رنگ تو عکس کسی است تو ز همه رنگ جدا بوده‌ای

دیوان شمس

و به تعبیر مولانا هیچ فساد و تباهی از آن بیش نباشد که آدمی آئینه غیب‌نمای دل خویش را که هر دم نقش هزار حور و پری در آن آشکار می‌شود، به زنگار غفلت سیاه و تیره کند؛ یا به رنگ و نقش خاصی محدود گرداند.

آه‌نی کایینه غیبی بُدی جمله صورت‌ها در او مرسل شدی

تیره کردی، زنگ دادی در نهاد این بود «يَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادَهُ»

و جمله تعصبات و کوته‌نظری‌ها که در جهان هست، همان محدود کردن آئینه است به نقش معین، و گمان کردن که جز آن نقش هیچ نیست. اما اگر آئینه صیقل شود، مَهِيْطٌ وحی و محل ظهور فرشتگان و رسولان الهی گردد و انوار قدسی و

تجلیات جمال آن وجه باقی در او هویدا گردد؛ و آن آیت الهی که فرمود: «تَنْزُلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ»، نزول بر چنین دلی باشد.

آینه‌ت دانی چرا غَمَّاز نیست ز آنکه زنگار از رخس ممتاز نیست
رو تو زنگار از رخ او پاک کن بعد از آن، آن نور را ادراک کن
آینه کز رنگ آرایش جداست پرفروغ نور خورشید خداست

مثنوی

از این رو هر که خواهد خویش را و خدای خویش را به چشم دل نظاره کند، بر اوست که آینه‌جو شود و گرد گیتی بگردد تا به صحبت یکی از عاشقان آینه‌خورسد و در آینه دل او تأمل کند؛ و سیمای حقیقی خویش را ببیند و آنچه به سبب رنگ‌ها و خیالات باطل بر آن افزوده و او را از شباهت نخستین با پروردگارش دور کرده، از آینه دل خویش بزدايد و به صیقل تقوی و مجاهده، به تدریج صفایی حاصل کند و از آینه‌جویی به مقام آینه‌خویی برسد. به قول سعدی:

تأمل در آینه دل کنی صفایی به تدریج حاصل کنی
مگر بویی از عشق مستت کنی طلبکار عهد السَّتت کنی

ویلیام باتلر ییتز، شاعر و نمایشنامه‌نویس معاصر ایرلندی، در قطعه شعری از زبان زن جوانی که در برابر آینه به آرایش نشسته است، گوید:

اگر می‌بینی که مژگان خود را کمی سیاهتر می‌کنم
و چشم‌ها را روشنتر
و لب‌ها را سرخ‌تر
و از این آینه و آن آینه می‌پرسم
آیا خوب شده است؟
مپندار به خودبینی پرداخته
و کاری بیهوده می‌کنم
زیرا من در جستجوی چهره‌ای هستم
که پیش از آفرینش جهان داشته‌ام



حسن علی آذرین یکی قصه‌های هر نیمه ۱۹۱۵ در ایران به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی، متوسطه و دانشگاهی را به ترتیب در ایستگاه فارس، سیستان، مرزی و دانشگاه اهلباد و بهارک اسلامی دانشگاه تهران به پایان برد و دو تحصیلات مجری و سوسی را اود دارد. استاد فلسفه مهدی آملی فلسفیان و اسلامیات دیگر همکاران او و سپس به کار تدریس در دانشگاه تهران و سایر مراکز آموزشی ملی در داخل و خارج خارج کشور پرداخته و در کش آن به تألیف و ترجمه اثر رسیده تهران و اهلباد و زاهدان فلسفی مشغول شد. ترجمه کتاب سوزناک استعارات علی آذرین را می‌توانیم بگویم.

از آثار فلسفی او: گردیده‌ها به افسانه، مظلومات، در بحرانی خلاقانه، فلسفی و طرح مظلومات او، گردیده سخن اظہار در بحرانی تامل و غیب سیر مستحق او، طرح گفتن راز شیخ محمود شبستری - آداب مظلومات - ترجمه گردیدنی از سخنان شبستری - بررسی آثار ترجمه شده اسلامی به زبان انگلیسی - ترجمه کتاب عناصر اثر عشق مرزا - تصانیح دیوان حافظ - مجموعه‌های از ترجمه‌ها، مظلومات و فلسفه‌ها در سخنان محققان کتاب افسانه - ۳۶۵ روز با مظلومات - ۳۶۵ روز با افسانه انگلیسی - ۳۶۵ روز با مظلومات - از افسانه این مجموعه با سایر افسانه، توکل و فلسفه، آداب استعارات غیر هیما، ویرایش و بیان گفتار، گردیده استعارات استعاره فردوسی، ترجمه دهان کبیر و نیز ترجمه کتاب آن ترجمه دیگر اثر خردی بر افسانه را می‌توانیم بگویم.

